



معرفی طریقت سهروردیه در ایران با رویکرد معیشتی و مبانی نظری مقامات این طریقت و ارتباط آن با معیشت

شقایق لواجو پشتمخی^۱

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ تمدن و فرهنگ ملل اسلامی دانشگاه الزهرا تهران

چکیده

از قرن سوم ق به بعد بنا به وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، طریقت‌های متعددی در ایران به وجود آمد. طریقت‌ها با اصول مشخص در حفظ عقاید و تعالیم مشایخ صوفیه موثر بودند. پس از گسترش تصوف از قرن سوم ق به بعد به تدریج مشایخ صوفیه با کتابت رساله در مباحث نظری و عملی، اصول طریقت‌های خود را میان مریدان و عموم مردم آموزش دادند. تالیف رساله به طور جدی از قرن ۴ق آغاز شد و در قرون بعد ادامه یافت. در این پژوهش به اصول سیر و سلوک الی الله که رعایت آن‌ها در حیات مادی و معنوی صوفیان مورد توصیه در طریقت سهروردیه بود، پرداخته می‌شود. این اصول به طور کلی مشتمل بر ورع، زهد، فقر، توکل، رضا و ایثار می‌شدند. با این هدف که پایبندی و مراعات این موارد در ادعاهای متصوفه سهروردی مورد بررسی قرار گیرد که آیا همچنان صوفیان دست از دنیا کشیده و در عزلت خزیده بودند یا قدرت مادی‌ای که به آن دست یافتند مسیر حرکت آنان را به جهات دیگری تغییر داد؟ در نتیجه، پژوهشگر ذیلاً به معرفی یکی از مهم‌ترین طریقت‌های موجود در ایران یعنی طریقت سهروردیه با رویکرد معیشتی، می‌پردازد و همان گونه که ذکر گردید دیدگاه این طریقت درباره این مقامات، طرح و بررسی خواهد شد.

کلیدواژه: طریقت سهروردیه، ایران، مقامات، معیشت



مقدمه

با شکل‌گیری طریقت‌ها از قرن سوم ق در ایران، مشایخ طریقت‌ها نیز عقاید و تعالیم خود را به شاگردان و طالبان خود آموزش می‌دادند. مشایخ طریقت سهروردیه نیز از این شرایط مشتقی نبود. مشایخ صوفیه در طریقت‌ها غالباً شجره‌نامه داشتند و نسب خود را به صحابه و پیامبر (ص) می‌رساندند. همچنین خرقة پوشیدن، اخذ اجازه‌نامه برای ارشاد از امور جاری در طریقت‌ها بود. تنوع طریقت‌ها، تعدد دیدگاه‌های صوفیان را نشان می‌داد. مشایخ صوفیه در هر طریقتی با زاویه دید خاص اصول و فریعات مسلک خود را در تربیت سالکان و شاگردان بکار می‌بستند. در هر طریقتی، اولین شرط پیمودن مسیر سیر و سلوک، پاکی و طهارت نفس و تخلی به اخلاق الهی و صفات پسندیده بود. از این جهت سالک پس از پشت سر گذاشتن مراحل در این مسیر، باید به تهذیب و تکامل نفس می‌پرداخت. در این رسائل به مباحثی چون توحید، آداب اجتماعی، معرفت و احوال و مقامات پرداخته شده است؛ مقاماتی که در راه سیر و سلوک، مبانی صوفیه در امور معیشتی و گذران زندگی را نیز بیان می‌کردند، شامل ورع، زهد، فقر، توکل، رضا و ایثار می‌شدند.

۱- طریقت سهروردیه در ایران

یکی از طریقت‌های مهم و معروف شریعت محور صوفیه در قرون هفتم و هشتم ق طریقت سهروردیه منسوب به شیخ ابونجیب عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی (د ۵۶۳ق) و بردارزاده اش شیخ شهاب الدین عمر بن محمد سهروردی (د ۶۳۲ق) ملقب به شیخ الاسلام است (معصوم علیشاه، ۱۳۱۸؛ قمرالهدی^۱، ۲۰۰۳). سهروردیه شجره سلسله خود را از سه طریق معرفی می‌کند. طریق اول به امام علی (ع) و پیامبر (ص)، طریق دوم به جنید و طریق سوم به امام رضا (ع) می‌رساند (معصوم علیشاه، ۱۳۱۸). شیخ شهاب الدین عمر بن محمد سهروردی در ماه رجب سال ۵۳۹ق در سهرورد زنجان به دنیا آمد. وی از جمله مشایخ شافعی مذهب است که تصوف را نزد عمویش، شیخ ابونجیب فرا گرفت و در سال ۶۳۲ق وفات یافت (جامی، بی تا). شیخ شهاب الدین با عبدالقادر گیلانی همصحبت شده و به غیر از ایشان، نسبت به شیخ نجم الدین کبری دست ارادت داشته است. در بغداد با سعدی دیدار داشته و سعدی به واسطه همین مصاحبت در بوستان از او به «شیخ دانای مرشد، شهاب» یاد کرده است (همان). وی شیخ الشیوخ بغداد بوده و صوفیان بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک برای استفاده معنوی نزد ایشان آمد و شد می‌کردند (قمرالهدی، ۲۰۰۳). نفوذ این طریقت در بغداد به حدی بود که خلفا برای حل مسائل سیاسی از شیوخ طلب کمک می‌کردند (دهباشی و میرباقری، ۱۳۸۴). طریقت سهروردیه به واسطه سفر مشایخ به نقاط دوردست گسترش یافت (قمرالهدی، ۲۰۰۳). بعد از مرگ ابوحفص (د ۶۳۲ق)، یکی از مشایخ طریقت، مریدان سهروردیه فقط به امورات معنوی و اعتقادی نمی‌پرداختند بلکه به دربار سلاطین نیز رفت و آمد داشتند و در امر سیاست دخالت می‌کردند (همان). با سقوط آل عباس (۶۵۶ق)، سهروردیه

¹ .Qamar-ul Huda



در بغداد از رونق افتاد و شاگردان آنان که اجازه‌ی ارشاد گرفته بودند به سرزمین‌های مختلف مهاجرت کردند. از جمله مریدان ابونجیب سهروردی، اسماعیل قصری (د ۵۸۹ق) بود که در دزفول سکونت یافت. ایشان در دزفول دارای خانقاهی بود که در آن به ارشاد مریدان و شاگردان می‌پرداخت. نجم الدین کبری یکی از مریدان وی است که از دست اسماعیل قصری خرقة گرفت (زرین کوب، ۱۳۸۰؛ جامی، ۱۳۳۷).

این طریقت به دسته‌ها و شعبات مختلفی تقسیم شده است که معصوم علیشاه در طرائق الحقایق مفصل به آن پرداخته است (معصوم علیشاه، ۱۳۱۸). نکته‌ای که در سیر تطور این طریقت در ایران اهمیت دارد، پیوند آن با شاخه کبرویه (شیخ نجم الدین کبری)، به واسطه شیخ عمار بدلیسی (د ۶۰۴ یا ۵۹۰ق) مرید ابونجیب سهروردی بوده است (معصوم علیشاه، ۱۳۱۸). پیوند دیگر این سلسله با شیخ زاهد گیلانی (د ۷۰۰ق)، از شیوخ طریقت صفویه در ایران است (ابن بزاز، ۱۳۷۳).

جانشینان و شاگردان شیخ شهاب الدین سهروردی بزرگانی چون اوحدالدین کرمانی (د ۶۳۵ق)، نجیب الدین علی یزغش شیرازی (د ۶۷۸ق)، شیخ شمس الدین صفی (د ۷۳۵ق) و عزالدین محمود کاشانی نطنزی (د ۷۳۵ق) بوده‌اند که شیرازی پس از کسب اجازه برای ارشاد از حجاز به شیراز بازگشت و در آن جا خانقاهی ساخت و به تربیت سالکان پرداخت (جامی، بی تا). یکی از مراکز مهمی که سهروردیه در ایران فعالیت داشتند، فارس بود. در فارس شاگردان ابونجیب و شهاب الدین عمر بن محمد سهروردی فعالیت‌های خود را شروع کردند.

همانطور که ذکر گردید این مریدان و شاگردان از ابوحفص سهروردی و ابونجیب اجازه ارشاد گرفته بودند. شیخ قطب الدین ابومحمد مکی مشهور به شیخ الاسلام یکی از آنان بود که با ابونجیب هم صحبت بود و در سال ۵۶۰ق در شیراز درگذشت (جنیدشیرازی، ۱۳۲۸). حسین بن عبدالله مفتی شیرازی از شاگردان ابوحفص که ایشان به وی اجازه ارشاد داد و روانه شیراز شد (همان). فقیه صائن الدین حسین بن محمد بن سلمان (د ۶۶۴ق) که به مفتی الجن و الانس معروف بود از ابوحفص خرقة گرفت. از آثار معروف او کتاب تاریخ مشایخ فارس است (همان). مولانا شمس الدین ابوالمفاخر عمر بن مظفر بن روزبهان بن طاهر (د ۶۲۳ق) از دیگر مشایخ سهروردی در فارس به حساب می‌آید. ایشان بخشی از کتاب عوارف را در مسیر حجاز تا بغداد نزد ابوحفص قرائت نمود. کتاب‌های بسیاری در زمینه‌های فقه، نجوم، طب، حساب و غیره شامل الاربعین، المسمی بدارالسلام فی مدارالاسلام، کتاب المحصل فی شرح المفصل، کتاب الهدایه، کتاب التبیان، کتاب الفرائض، زبده الادراک فی هییه الافلاک، کتاب المدخل فی النجوم، تلخیص البیان فی تخلص الابدان، کتاب منهاج الاریب فی الاحتیاج الی الطیب تألیف نمود (همان). عزالدین محمد بن روزبهان (د ۶۲۹ق) یکی از واعظان شیراز بود که رباطی در کنار خانه‌اش داشت و در آن جا به وعظ می‌پرداخت. ایشان نیز در سفر حج به دیدار ابوحفص نائل گشته بود و از او خرقة دریافت کرد (همان). خواجه امام الدین داوود بن محمد بن روزبهان الفرید (د ۶۷۱ق) که از شیخ نجم الدین و شیخ تاج الدین اشنه‌ی (پس از ۵۸۹ق) اجازه ارشاد یافت و از شهاب الدین سهروردی خرقة دریافت کرد (همان). شیخ صفی الدین ابومحمد عثمان بن عبدالله بن الحسن



الکرمانی (د۶۴۱ق) یکی دیگر از صوفیان سهروردی است. او از نزدیکان شهاب الدین سهروردی بود که آثار بسیاری در زمینه‌های حدیث، تصوف، کلام، ادبیات و غیره تألیف کرده که مهم ترین آن المسمی بالکنزالحفی من اختیارات الصفی است (همان). یکی دیگر از علما و مریدان ابوحفص که در شیراز سکونت یافت و در رباط ابن خفیف شیرازی به تدریس و آموزش پرداخت، فخرالدین احمدبن محمد شاشی (د۶۴۱ق) بود (همان). شیخ عزالدین مودود بزرکوب (د۶۶۳ق) از مریدان ابوحفص که قبل از دیدار شیخ شهاب الدین با شیخ اوحالدالدین کرمانی و شیخ رکن الدین سجاسی ملاقات داشته است. او در زاویه اش در شیراز به اطعام فقرا و مساکین می پرداخت (همان).

یکی دیگر از مراکز طریقت سهروردیه آذربایجان بود و اشخاصی همچون صدرالدین رواسی و پیرعمادالدین که در محله چهار منار تبریز صاحب خانقاه بود به تربیت سالکان و گسترش طریقت در آن جا پرداخت. ناگفته نماند که رکن الدین سجاسی این طریقت را قبل از آنان در آذربایجان توسعه و گسترش داده بود (ابن کربلایی، ۱۳۴۴). گسترش طریقت سهروردیه در آذربایجان بعد از سجاسی توسط خاندان عتیقیان ادامه پیدا کرد. از مریدان سجاسی یعنی کمال الدین عتیق بن عبداللطیف و پسر او قطب الدین ابوالفضل عبدالرحمان عتیقی (د۶۷۵ق) که از مفسران و صوفیان بزرگ آذربایجان به حساب می آمد. شهرت آنان به حدی بود که خلیفه ناصر لدین الله به مجالس آن‌ها رفت و اجازه داد تا این خاندان و فرزندان‌شان از روی کتابش روح العارفین، نقل روایت کنند (حاجی خلیفه، ۱۹۸۸). پسر قطب الدین، جلال الدین عتیقی (د۷۴۱ق) از واعظان و صوفیان بزرگ آذربایجان در عصر ایلخانان در تبریز بود. او در بنای خواجه غیاث الدین وزیر ایلخانان به نام عمارت غیاثیه در تبریز به وعظ می پرداخت. ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی از شاگردان او در سفینه تبریز برخی از مجالس صوفیانه اش را جمع آوری نموده است (تبریزی، ۱۳۸۸).

از صوفیان مشهور سهروردی در آذربایجان، شهاب الدین محمود عتیقی تبریزی اهری است که سند خرقة شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی الدین اردبیلی به او می رسد (ابن کربلایی، ۱۳۴۴). جمال الدین تبریزی، معین الدین اصحاب و بابا فرج وایقانی از مهم ترین مریدان او بودند (همان). حسن بلغاری از دیگر صوفیان به نام آذربایجان است. به نظر می رسد بلغاری در سال ۶۰۵ق در نخجوان به دنیا آمده است. او برای تحصیلات و تکمیل مسیر سیر و سلوک به مناطق مختلفی چون بخارا، کرمان، مراغه، بلغار و تبریز سفر کرد. همام تبریزی و ابوالقاسم امین الدین حاج بله از جمله افرادی بودند که در تبریز از او استقبال کردند. سند خرقة بلغاری با دو واسطه به ابونجیب سهروردی می رسد. هم صحبت های حسن در تبریز مشایخی مانند سعدالدین حموی، خواجه محمد کججانی و باله حسن بنیسی بوده اند (همان). همام تبریزی و نورالدین بیمارستانی از مهم ترین مریدان بلغاری به شمار می آیند (همان).

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (د۷۱۸ق) و فرزند ایشان غیاث الدین از ارادتمندان طریقت سهروردیه بودند. فاطمه خاتون همسر غیاث الدین از نوادگان ابوحفص سهروردی بود (فضل الله همدانی، ۱۳۵۸). امیرعلی یکی از فرزندان رشیدالدین که حاکم



بغداد بود، نامه‌ای برای فرزند خود فرستاد و در آن تاکید نمود که به شرطی مجدالدین بغدادی را شیخ یکی از خانقاه‌های بغداد قرار دهد که در آن جا عوارف المعارف تدریس کند (همان). غیاث‌الدین خانقاه رشیدیه را در تبریز ساخت و زمانی که شیخ صفی‌الدین اردبیلی به تبریز سفر می‌کرد، در این خانقاه ساکن می‌شد (ابن کربلایی، ۱۳۴۴). علاوه بر این، در تبریز خانقاه‌های دیگری ساخته شد که در گسترش طریقت سهروردی تاثیرگذار بود. شاه حسین سرپلی (د ۸۶۱ق) از اولاد ابوحفص سهروردی در تبریز خانقاهی ساخت (همان). صائن‌الدین تبریزی نیز در تبریز خانقاهی بنا کرد که مشایخ بسیاری همچون حسن بلغاری و عبدالرحیم اژابادی (د ۶۵۵ق) در آن جا تجمع می‌کردند (همان).

بیشترین پیروان این سلسله در فارس و آذربایجان بودند، اما در مناطق دیگری همچون اصفهان و مناطق شرقی ایران مانند هرات نیز حضور داشتند (همان، ۱۳۴۴). مثلاً در اصفهان برخی از مشایخ سهروردی در خانقاه علی‌بن سهل حضور داشتند و ابن بطوطه در مورد فعالیت آن‌ها می‌نویسد: «در این شهر در خانقاه منسوب به شیخ علی‌بن سهل که شاگرد جنید بوده است منزل کردم. این زاویه مورد احترام و زیارتگاه مردم اصفهان است و در آن برای مسافرین غذا داده می‌شود و گرمابه‌ای عالی مفروش بر خام دارد که دیوارهایش از کاشی است. این حمام وقف است و از مراجعه‌کنندگان پولی مطالبه نمی‌شود. شیخ این زاویه عابد پرهیزگار قطب‌الدین حسین پسر شیخ ولی‌الله شمس‌الدین محمدبن محمودبن علی معروف به رجاء بود و برادر او شهاب‌الدین احمد نیز مردی دانشمند و منصف بود. چهارده روز در خانقاه پیش این شیخ قطب‌الدین بودم و از مراتب خداپرستی و درویش‌نوازی او و تواضعی که در برابر فقرا داشت چیزها دید که مایه اعجابم بود، شیخ در پذیرایی و اکرام من مبالغت فرمود و جامه‌ای نیک به من بخشید و همان ساعت که به زاویه رسیدم غذایی با سه عدد خربزه‌ی اصفهان که تا آن روز نخورده بودم برایم فرستاد» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶).

در هرات زین‌الدین خوافی (د ۸۳۸ق) از جمله مشایخی است که به گسترش طریقت سهروردیه کمک کرد. سند خرقة خوافی با پنج واسطه به نجیب‌الدین بزغش می‌رسد و مسیر سیر و سلوک را از اشخاصی چون کمال خجندی و اسماعیل سیسی پیمود. او بعد از آن وارد مصر شد و در آن جا مرید نورالدین عبدالرحمان مصری شد (ابن کربلایی، ۱۳۴۴). همانطور که گفته شد این طریقت از مهم‌ترین طریقت‌های صوفیه در قرون هفتم و هشتم هجری است که وارد ایران شد و گسترش یافت (سهروردی، بی تا).

شیخ سهروردی در کتاب عوارف المعارف در مورد لقمه‌ی حلال و نحوه معیشت می‌نویسد: «مهم‌ترین کاری در طعام خوردن، قوت حلال است. و هر چه شرع رخصت داده است، آن حلال است، و اگر نه رخصت شرع بودی، طلب حلال مردمان را به رنج آوردی و ادب صوفی آنست که در طعام منعم را باز بیند و بر آن نعمت شکر گوید مزید نعمت را، و به نیت آن خورد که معاونت طاعت را می‌خورم» (همان). مشایخ سهروردیه از لحاظ اجتماعی فعال و با مردم در ارتباط بودند، اما خلوت و



گوشه‌نشینی خود را هم داشتند. آنان مردمانی اهل کسب و کار به حساب می‌آمدند و از نظر مالی جایگاه خوبی داشتند (زیدی، ۱۳۵۳).

برای نمونه، شهاب‌الدین سهروردی جزو مشایخی بود که منصب شیخ‌الشیوخی داشت؛ منصبی که از طرف دربار سلاطین به آن ادرار و مقرری تعلق می‌گرفت (جامی، بی‌تا). ابن کربلایی در مورد پیر عمادالدین (۴) از مشایخ طریقت سهروردیه می‌گوید: «خانقاه وی در محله‌ی چهارمنار تبریز بوده کسانی که بخدمت حضرت پیر ارادتی داشته‌اند و ریاضتی می‌کشیده‌اند چون کمالی می‌یافته‌اند، اجازه‌ی پیر «دیگی» بوده که به وی می‌داده، از شادی وی همین بود یعنی نان و آش در راه خدای می‌باید داد و بذل و ایثار را صفت خود می‌باید ساخت. گر تو فطیری بفقیری دهی / پیش خدا خوبتر از صد چله» (ابن کربلایی، ۱۳۴۴). طریقت ایشان گوشه‌نشینی صرف نبود بلکه تامین مایحتاج و معاش اهالی خانقاه و دیگران از دغدغه‌های وی بود.

نجم‌الدین زرکوب تبریزی (د ۶۳۱ق) از مشایخ طریقت سهروردیه که شغل ایشان طلاکاری یا طلاکوبی بود (همان). خواجه عبدالرحیم ازآبادی^۲ (د ۶۵۵ق) از مشایخ تبریز که از طریق ابریه شمش بافی روزگار می‌گذراند (همان). خواجه محمد کججانی (د ۶۷۷ق) از مشایخ تبریز از طریق کشاورزی و زراعت امرار معاش می‌کرد (همان). خواجه محمد سرسلسله مشایخ کججانی آذربایجان است که در میان مردم و سلاطین دارای احترام و نفوذ بود. برخی از افراد این خاندان به مناصب دولتی همچون شیخ الاسلامی و وزارت دست پیدا کرده‌اند (همان). شیخ حسن بلغاری (د ۶۹۸ق) از مشایخ قرن هفتم ق و از طریقت سهروردیه که در دستگاه مغولان در بلغار به تجارت و بازرگانی مشغول بود که پس از مدتی در تبریز ساکن می‌گردد (همان).

۲- مبانی نظری مقامات صوفیه و ارتباط آن با معیشت

پس از گسترش تصوف از قرن سوم ق به بعد به تدریج مشایخ صوفیه با کتابت رساله در مباحث نظری و عملی، اصول طریقت‌های خود را میان مریدان و عموم مردم آموزش دادند. تالیف رساله به طور جدی از قرن ۴ ق آغاز شد و در قرون بعد ادامه یافت. در این رسائل به مباحثی چون توحید، آداب اجتماعی، معرفت و احوال و مقامات پرداخته شده است؛ مقاماتی که در راه سیر و سلوک، مبانی صوفیه در امور معیشتی و گذران زندگی را نیز بیان می‌کردند، شامل ورع، زهد، فقر، توکل، رضا و ایثار می‌شدند. اولین شرط پیمودن مسیر سیر و سلوک، پاکی و طهارت نفس و تخلق به اخلاق الهی و صفات پسندیده بود. از این جهت سالک پس از پشت سر گذاشتن مراحل در این مسیر، باید به تهذیب و تکامل نفس می‌پرداخت. در این جا به اصول سیر و سلوک الهی که رعایت آن‌ها در حیات مادی و معنوی صوفیان مورد توصیه در طریقت‌های مهم بود، پرداخته می‌شود. این اصول به طور کلی مشتمل بر ورع، زهد، فقر، توکل، رضا و ایثار می‌شدند. با این هدف که پایبندی و مراعات این موارد در ادعاهای صوفیان این طریقت مورد بررسی قرار گیرد که آیا همچنان صوفیان طریقت سهروردیه دست از دنیا کشیده

^۲. ازآباد: نام محله‌ای در تبریز (ابن کربلایی، ۱۳۴۴).



و در عزلت خزیده بودند یا قدرت مادی مسیر حرکت آنان را به جهات دیگری تغییر داد؟ در این بخش، دیدگاه طریقت سهروردیه درباره این مقامات طرح و بررسی خواهد شد.

۲-۱ مقام ورع

یکی از اصولی که صوفیان در آموزه‌های خود بر آن تاکید دارند، ورع یا همان تقواست. ورع از جمله مقامات عرفانی است و از آن جهت اهمیت دارد که مشایخ طریقت‌های مختلف به رعایت آن در گذران زندگی و تامین معیشت توصیه می‌کردند. در معنای لغوی آن پرهیزگار گردیدن و باز ایستادن، تقوا، زهد، دوری کردن از گناه، پاکدامنی، دوری کردن از شبهات از ترس ارتکاب محرمات و عفت آمده است (المنجد، ذیل ورع) و در اصطلاح «ورع آن است که صوفی فقط به خداوند پردازد و از هر چه غیر از رضای خدا است، پرهیزد» (ابن بزاز، ۱۳۷۳).

صوفیان طریقت سهروردیه، ورع را اساس دین می‌دانند که نباید در وابستگی به امور دنیوی نفس خود را حقیر شمارند (سهروردی، بی‌تا). و در تامین معاش نباید از هر روشی برای رفع حوائج زندگی استفاده کنند. به طور کلی ورع عبارت است از دوری کردن سالک از اعمالی که در آن تردید، شبهه و مانع برای توجه به حق وجود دارد. اگر سالک نفس خود را از محرمات و شبهه‌ها پاک نکند نمی‌تواند در مسیر حق و عرفان قدم بگذارد. از نظر صوفیان مقام ورع باید در همه ابعاد زندگی آنان مخصوصاً در امور معیشتی وجود داشته باشد تا مبادا از مسیر اصلی خود یعنی مسیر الهی خارج شوند و یا اموالشان دچار حرام و شبهات گردد. رعایت این امر در میان صوفیان شریعت محور مانند سهروردیه بسیار جدی بوده است.

۲-۲ مقام زهد

زهد به عنوان دومین اصل نزد صوفیان نقش مهمی در دچار نشدن آنان به دنیا یا عدم تعلق دنیوی دارد. به این معنا که درآمدهایی که از طریق کسب و کار یا روش‌های مختلف در دسترس مشایخ قرار می‌گیرد، موجب آلوده شدن به گناه و تعلق دنیوی آنان نگردد. در معنای لغوی آن خویشنداری، در اصطلاح «باید که از دنیا به کلی اعراض کند، نه اندک گذارد و نه بسیار» (نجم الدین رازی، ۱۳۷۳).

در سهروردیه، زهد را ترک حظوظ نفس و دنیا معنا می‌کند. از نگاه آنان بهتر است سالک در استفاده از اموال و املاکی که در اختیار دارد، زهد پیشه کند از این جهت که دل بسته به آن املاک نباشد که به ترک دنیا تعبیر شده است. علاوه بر آن نفس خود را از تعلقات به درآمدهایی که در اختیار سالک است، حفظ کند تا دنیا و آخرت او خلط نشود (سهروردی، بی‌تا). ابوحنیفه سهروردی می‌نویسد: «فقیه آن است که: زاهد باشد در دنیا و اندرون خود پاک گرداند از لوث محبت دنیا و جاه و مال و عز و اقبال و طلب مناصب و مفاخر، و القاب مناقب و مآثر، و غل و غش و حسد و حقد و عداوت و بغض» (همان).



به طور کلی مقام زهد از جمله مقاماتی است که سالک را از دچار شدن به دنیا یا بهتر است بگوییم ظواهر دنیوی حفظ می کند. بیشتر عارفان تاکید دارند که صوفی باید دنیا را ترک کند تا حس تعلق باعث منحرف شدن مسیر عرفان نگردد اما منظور آنان از ترک دنیا، دوری کردن از ثروت اندوزی و جمع مال و املاک است. آنان همچنین به کسب روزی حلال در امور معیشتی با در نظر گرفتن زهد تاکید دارند.

۲-۳ مقام فقر

یکی دیگر از مقاماتی که صوفیان به آن پرداخته اند، فقر است. به این معنی که کسی که در مسیر سلوک قدم برمی دارد، باید دارایی های خود را کنار بگذارد و تهیدستی پیشه کند. فقر در معنای لغوی ناداری و تهیدستی، در اصطلاح، فقر درارای مرتبه و درجاتی است که خداوند قرار داده تا منجر به ترک اسباب ظاهری و باطنی گردد. «تا فقر ایشان فخر ایشان گشت، تا به رفتن آن نالان شدند و به آمدن آن شادمان گشتند و مر آن را در کنار گرفتند و بجز اخوات آن را جمله خوار گرفتند» (هجوی، بی تا). صوفیان برای معرفی مقام فقر به آیات و احادیث استناد می کنند که به چند نمونه اشاره می کنیم.

-للفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الارض (بقره/۲۷۳)؛

-يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغني الحميد (فاطر/۱۵)؛

قال رسول الله: الفقر فخري (افلاكي، ۱۳۶۲: ۲/۱۰۲۶).

سهروردیه فقرا را کسانی می دانستند که مالی در دنیا ندارند؛ اگر هم داشته باشند آن مال را ایثار می کنند (سهروردی، بی تا؛ کاشانی، ۱۳۹۴). آنان معتقدند که اساس تصوف بر فقر نهاده شده است (سهروردی، بی تا).

به طور کلی «موضوع فقر گرایی نیز مطلبی بود که در حد خود می توانست در وضع اقتصادی خانقاه و زندگی گروهی خانقاهیان موثر باشد و سالکان را به معاضدت با یکدیگر تشویق و ترغیب کند و آنان را از جمع مال و محروم ساختن دیگران باز دارد» (کیانی، ۱۳۶۹). مقام فقر در میان آنان اینگونه نبود که در تنگدستی باشند بلکه مالی که در اختیارشان بود چه کم چه زیاد، آن را بین دیگران تقسیم می کردند یا به آنان می بخشیدند تا با این کار جلوی گرفتار شدن نفس خود به اموال دنیوی را گرفته باشند.

۲-۴ مقام توکل

توکل، مقام دیگری است که صوفیان در امور معیشتی به آن توجه دارند. ارتباط توکل با امور معیشتی از جهت تکیه و اعتماد صوفی به خداوند و رساندن رزق و روزی از جانب اوست. در معنای لغوی، توکل تکیه و اعتماد کردن، در اصطلاح «مقام توکل واگذاری همه امور به مالک اصلی و اعتماد بر وکالت اوست» (مستملی بخاری، ۱۳۷۳).



در قرآن مکررا به آیاتی در مورد توکل توصیه شده است:

- و علی الله فلوكلوا ان كنتم مومنين (مائده/۲۳).

- و علی الله فليتوكل المتوكلون (ابراهيم/۱۲).

- و علی الله فليتوكل المومنون (توبه/۵۱).

- و من يتوكل علی الله فهو حسبه (طلاق/۳).

سهروردیه نیز توکل را به مثابه زبانه ترازو می دانند. از نظر آنان مقام توکل مخصوص اهل معرفت است؛ کسانی که خود را به خداوند می سپارند و به او بسنده می کنند (سهروردی، بی تا). آنان ایمان را نتیجه توکل می دانند که سالک باید به طور یقین در همه امورات به تقدیر خداوند دل بندد و نمی تواند تغییر و تبدیل در مقدرات ایجاد کند. بنابراین با آگاهی بر این موضوع به مشیت خداوند اعتماد و بسنده می کند (کاشانی، ۱۳۹۴). صوفیان سهروردی درخواست روزی از خلق الله را درست نمی دانند و معتقدند مسبب الاسباب و روزی دهنده خداوند است و به هر نحوی که بخواهد به آنان روزی می رساند. آنان متوکلان را «صحاب فتوح» می نامند از آن جهت که امور معیشتی آنان از فتوحات غیبی است و هر آنچه که برای آنان آورده می شود، بهتر است، بپذیرند حتی اگر به آن نیازی نداشته باشند (همان).

بنابراین به طور کلی مقام توکل از زمانی که خانقاه ها ساخته شدند و زندگی جمعی در آن جریان یافت، شکل جمعی به خود گرفت و اهالی خانقاه به صورت جمعی در مقام توکل باقی ماندند و حداقل تاثیر این موضوع در اوضاع اقتصادی خانقاه، جلوگیری از فقر و ناداری بود. در واقع باتوجه به کسب و کارهایی که مشایخ صوفیه و مریدانشان به آن مشغول بودند و منابع معیشتی فراوانی که از جانب سلاطین، بزرگان و مردم وارد خانقاهایشان می شد، اوضاع معیشتی مشایخ و خانقاه ها رو به بهبودی رفت و سختی های گذران زندگی کم رنگ شد.

۲-۵ مقام رضا

از مقامات صوفیه در امور معیشتی است که سالک را ملزم می کند به حکم و قضای خداوند راضی باشد و در این جهت اعتراضی نکند. در معنای لغوی آن شامل خوشنودی، خوشدلی، قبول، معجب و موافقت می شود (لغت نامه دهخدا، ذیل رضا). در اصطلاح آن است که سالک هر حادثه ای را نتیجه مشیت الهی می بیند و از مشیت حق گله نکند و نامرادی را رضای حق بداند و با روی خوش بپذیرد (المنجد: ذیل رضا). در قرآن نیز به این مقام اشاره شده است.

- رضی الله عنهم و رضوا عنه (مائده/۱۱۹).

- والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه (توبه/۱۰۰).



مشایخ سهروردیه بر قبول قضا و فرمان الهی و چگونگی پذیرش این فرمان، تاکید دارند. به این معنی که سالک هنگام پذیرش فرمان و قضای الهی اکراهی ندارد و با روی باز و خوشحالی آن را می‌پذیرد (سهروردی، بی‌تا). آنان معتقدند که تمام حرکات و سکنتات صوفی باید برای رضای خدوند تعالی انجام گیرد (همان). آنگونه که تمام ناملايمات دنیا و سختی‌های معیشتی در نظرش به شیرینی بگراید (کاشانی، ۱۳۹۴).

مقام رضا در میان صوفیان باعث می‌شد انواع منابع معیشتی که از روش‌های مختلف وارد خانقاه‌هایشان می‌شد چه از جانب سلاطین چه از جانب مردم و یا از طریق کسب و کارهایی که خود مشایخ به آن مشغول بودند، به آن راضی باشند. صوفیان در پس رضایت از اموالی که در اختیارشان قرار می‌گرفت، کم یا زیاد بودن آن مطرح نبود، مهم رضایتی بود که از جانب عارف ایجاد می‌شد و در مقابل، رضایت خداوند را به همراه داشت.

۲-۶ مقام ایثار

آخرین مقامی که صوفیان در زمینه معیشت بر آن تاکید دارند. در معنای لغوی عبارت است از عطا کردن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن و این کمال درجه‌ی سخاوت است (برگزیدن) و دیگری را در رساندن به منفعت و دفع مضرت بر خود مقدم داشتن و آن نهایت برادری است (المنجد: ذیل ایثار).

در قرآن نیز به ایثار اشاره شده است:

—و یوثرونَ علی انفسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بَیْهِمْ خِصَاصَةٌ (حشر/۹).

—خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف/۱۹۹).

سهروردیه مقام ایثار را به از خود گذشتگی و ارجحیت منفعت دیگران بر منفعت خود، تعبیر می‌کنند (نعمت‌الله ولی، ۱۳۹۴). ابوحفص در این باره می‌نویسد: «از جمله اخلاق صوفیان ایثار است و ایثار از فرط شفقت و رحمت تولد کند و قوت نفس که بدانچه حاضر باشد بر دیگران ایثار کند و بدانچه نیابد صبر کند» (سهروردی، بی‌تا). آنچه که در مقام ایثار بر آن تاکید می‌شود، در نظر گرفتن مصلحت دیگران بر مصلحت عارف است. به این معنی که سالک هر آنچه که در خانقاه در اختیارش قرار می‌گیرد تا حوائج مادی خود را رفع کند، اول باید به رفع نیازهای معیشتی سایر خانقاهیان و افرادی که به آن جا آمد و شد دارند؛ همچون فقرا، مساکین، مسافران و درراه‌ماندگان پردازد. آنان حتی باید درمورد لقمه‌هایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد از جهت حرام و حلال بودن، ایثار را در نظر بگیرند.



نتیجه گیری

آنچه که در این پژوهش حائز اهمیت است، توجه طریقت سهروردی به کسب و کار و معیشت بود. همانطور که گفته شد مشایخ این طریقت از طریق کسب و کارهایی مانند کشاورزی، تجارت و... جزو فعالان اجتماعی و اقتصادی بودند. از نگاه مشایخ، کسب و کار آنان را از مسیر الهی دور نمی کرد بلکه باعث می شد با استفاده از این قدرت اقتصادی به فقرا، یتیمان و نیازمندان کمک کنند. آنان همچنین در زمینه کسب و کار و تامین امور معیشتی، طعام و هر آنچه که به مادیات مربوط می شد، برای خود اصولی مشتمل بر ورع، زهد، فقر، توکل، رضا و ایثار قائل بودند که با رعایت آنها به مقام عبودیت دست می یافتند. آنان براساس این مبانی بر ترک شبهات، طلب روزی حلال و دوری از محرّمات، توکل و اعتماد بر خدا در حین تلاش برای معیشت، عجزین نشدن با مادیات و بخشش اموال به نیازمندان تاکید داشتند. در واقع صوفیان تمام تلاش خود را می کردند تا در زندگی دنیوی، از مسیر اصلی یعنی مسیر الهی فاصله نگیرند. به نظر می رسد آنان خودشان را براساس مبانی نظری ملزم به انجام بایدها و نبایدهایی در زمینه معیشت برای عدم وابستگی به دنیا کرده بودند. در نتیجه طریقت سهروردی که اساس تصوفش بر تصوف زاهدانه بنا شده بود به مقامات اهمیت بسیاری می دادند. آنان تمام سعی خود را می کردند که از توجه و عمل به این مبانی غافل نشوند.



منابع

- ابن بزاز، ۱۳۷۳، *صفوه الصفا*، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، اردبیل: انتشارات مصحح،
- ابن کربلایی، حافظ حسین، ۱۳۴۴، *روضات الجنان و جنات الجنان*، ج ۱، به تصحیح و تعلیق جعفر سلطان القرائی، تهران: انتشارات ستوده.
- ابن بطوطه، ۱۳۷۶، *سفرنامه*، (محمد علی موحد، مترجم)، ج ۱، بی جا.
- تبریزی، جلال‌الدین بن قطب‌الدین عتیقی، ۱۳۸۸، دیوان، چاپ نصرالله پورجوادی و سعید کریمی، تهران.
- جامی، مولانا عبدالرحمن بن احمد (۱۳۳۷). *نفحات الانس*، بتصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی پور، تهران: انتشارات محمودی.
- همو (بی تا). *نفحات الانس*، بی جا.
- جنید شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم (۱۳۲۸). *شذالازار*، بتصحیح و تحشیه محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس.
- حاجی خلیفه، عبدالحی حسنی لکهنوی، ۱۹۸۸، *نزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر*، جلد ۳، حیدرآباد، دکن.
- دهباشی، مهدی، میرباقری، علی اصغر، ۱۳۸۴، *تاریخ تصوف*، ج ۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رازی، نجم‌الدین ابوبکر، ۱۳۷۳، *مرصادالعباد*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۰، *ذنباله جستجو در تصوف ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زیدی، شمیم محمود، ۱۳۵۳، *احوال و آثار شیخ بهاء‌الدین زکریا ملتانی*، راولپندی.
- سهروردی، ابوحفص عمر شهاب‌الدین، بی تا، *عوارف المعارف*، (ابومنصور اسماعیل بن عبدالمومن اصفهانی، مترجم)، بی جا.
- کاشانی، عزالدین محمود بن علی، ۱۳۹۴، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: انتشارات سخن.
- کیانی، محسن، ۱۳۶۹، *تاریخ خانقاه‌ها در ایران*، تهران: انتشارات طهوری.
- مستملی بخاری، ابراهیم، ۱۳۷۳، *شرح تعرف*، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
- معصوم‌علیشاه، ۱۳۱۸، *طرائق الحقایق*، ج ۱ و ۲، با تصحیح محمد جعفر محجوب، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- هجویری، علی بن عثمان، بی تا، *کشف المحجوب*، به کوشش فریدون آسیابی عشقی زنجانی، بی جا.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸، *سوانح الافکار رشیدی*، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، تهران.
- Huda, Qamar(2003). *Striving for Divine Union: The Spiritual Exercises of Suhrawardi Sufis*, Routledge Curzon, London and New York.